

نظام مالی در اسلام

۵۸ - ومنهم من يلمزك في الصدقات فان اعطوا منها

رضوا وان لم يعطوا منها اذ هم يسخطون

: بعضی از آنها (در تقسیم زکات) بر تو خرده میگیرند هر گاه

بهره مند شوند خوشحال میگردند و اگر بی نصیب شوند آنگاه

خشمگین میشوند.

۵۹ - و لو انهم رضوا ما آتاهم الله و رسوله

وقالوا حسبنا الله سيؤتينا الله من فضله و رسوله انا

الى الله راغبون

: هر گاه آنها (منافقان) بآنچه خدا و رسول او داده

راضی میشدند و میگفتند خدا ما را کفایت میکند و خدا و پیامبر

او از کرم خویش بما عطا مینمایند؛ و ما بسوی او متوجه هستیم

(بمنفع آنها بود)

۶۰ - اما الصدقات للمفقر اءرا المساكين و العاملين

عليها و المؤلفه قلوبهم و في الرقاب؛ الغارمين و في

سبيل الله و ابن السبيل فريضة من الله و الله اعلم بحكيم

زکاة مال فقیران؛ مساکین؛ عاملان زکات (کسانی که مأمور

جمع آوری زکاتند) اشخاصیکه با دادن زکاة قلوب آنها

متوجه اسلام میشود، برای آزاد کردن بندگان و (تأمین بدهی)

بدهکاران و در راه خدا (کارهای نیک)؛ و اما نندگان در راه،

این قرار است از جانب خدا و او دانا و حکیم است .

زکاة اسلامی باصطلاح امروز همان مالیاتی است که تحت شرایط مخصوصی برای مکلفین واجب میشود. و مصارف آن همانست که در آیه ششم بیان شده است و حکومت اسلامی بایست با وسائلی که در اختیار دارد، آنرا جمع آوری کند و نیازمندیهای مجتمع اسلامی را برطرف سازد.

اسلام با وضع قانون زکاة توانسته است به قسمتی از نیازمندیهای اجتماع، پاسخ بگوید و هرگاه دولتهای اسلامی با برنامه صحیح تحت نظریه حاکم شرع مسلم و عادل بجمع آوری زکاة از طبقاتی که زکات بر آنها واجب میشود دست میزدند امروز دچار مختصه هائی که فعلاً گریبانگیر آنها شده است نمیشدند؛ دست گدائی و تکدی پوسی بیگانگان برای اخذ وام دراز نمی نمودند منابع زرخیز و معادن سرشار تحت الارضی را در گرو دیگران نمی گذاردند و چنانکه رسول خدا فرموده از خود اجتماع می گرفتند و در باره همان مجتمع بکار میبردند (تو خذ من اغنیائهم فترد علی فقرائهم)

اسلام با گرفتن مقداری از اموال مردم بعنوان زکات پاره ای از شئون اجتماعی را که اکنون در زیر بانها اشاره میشود مرمت نموده است :

۱- سطح زندگی طبقات افتاده و تهی دست (فقیران و مساکین) را بالا برده و قدرت خرید، و وسائل کسب و تولید جنس را در اختیار این گروه که میرفت از میان برود، گذارده است.

۲- اعتبار حقوق برخی از کارمندان خود را که در دائره مالیه اسلام و جمع آوری و حمل و نقل زکات و تقسیم آن انجام وظیفه مینمایند، تأمین نموده است؛ و طبیعاً دائره تحصیل زکات؛ از وسیعترین دوائر اسلامی است که تأمین بودجه و اعتبار آن برای دولت اسلامی بی مشقت نخواهد بود، و این دسته همان است که در آیه بعنوان عاملین زکات معرفی شده اند.

۳- بودجه ارتش و بهداری و فرهنگ از همین راه تأمین میگردد و در کشورهای متمدن امروز بودجه این سه محل قلم در شتی را نشان میدهد؛ و این مطلب در آیه تحت عنوان «فی سبیل الله» گفته شده است.

علاوه بر این دولت اسلامی گاهی لازم میبیند که بگروهی از بیگانگان کمک های بلاعوض کند تا در مواقع مخصوصی از وجود و عواطف و حسن روابط آنها استفاده ببرد، از این جهت یکی از مصارف این مالیات همان «المؤلفه قلوبهم» است که بمبدأ بمعنای آن اشاره خواهیم نمود.

گذشته از اینها در میان جامعه کسانی پیدامیشوند با اینکه فقیر و مسکین نیستند ولی لازم

است از طرف افراد جامعه با آنها کمک شود، مانند بدهکاران که در اثر پیش آمدهای سرمایه‌های خود را از دست داده و دیگر قدرت پرداخت قرض خود را ندارند، و یا مانند واماندگان در راه که دست آنها از میهن و ثروت کوتاه گشته و دچار مضیقه مالی شده‌اند و نیازمندی چنین افرادی امروز از ناحیه بودجه شهرداری تأمین میشود ولی اسلام تمام آنها را از راه زکات تأمین نموده است

قانون مزبور با در نظر گرفتن شرایطی میتواند بسیاری از مشکلات را باز کند؛ اولاً بایست روح ایمان بخدا و ترس از عواقب بد ترک این فریضه در مؤدیان زکات قوی باشد که با کمال میل و رغبت زکات مال خود را در اختیار تحصیلداران مالیات بگذارند، و در این باره دروغ و یاوه نگویند ثانیاً روح امانت‌داری و حفظ اموال عمومی در کارمندان و کارگران دائره‌داری اسلام پیش از همه وجود داشته باشد و گرنه یک راه بسیار آسانی برای دزدی و چپاولگری خواهد بود؛ بالا تر از این دو شرط اینست که: جامعه مسلمین با طبقات مختلفی که دارد، روش صحیحی برای زندگی خود داشته باشد؛ تجملات و تشریفات بیجا را تا سرحد امکان بزنند؛ و روح اعتدال و صرفه جویی را در خود تقویت کنند تا هماهنگی صحیحی میان فقیران و مساکین و کارمندان ارتشیان و فرهنگیان و... بوجود آید، و عوامل ثبات فکر و بلندی روح در تمام افراد مستقر گردد.

شان نزول آیه های فوق

حزب منافق که یکی از علل تظاهرات دینی آنها این بود که از غنایم و زکات اسلامی بهره برداری کند و چون از مصارف هشگانه زکات بیرون بودند - لذا - پیامبر اکرم درخواست آنها را رد مینمود، خواهی نخواهی ناراحتی فوق‌العاده‌ای در آنها بوجود می‌آمد.

روزی رسول اکرم زکاتی را که خدمتش آورده بودند تقسیم میکرد، ثروتمندان منافق در سر تقسیم حاضر بودند؛ تصور مینمودند که سهمی خواهند برد ولی پیامبر تمام آنها را میان فقیران تقسیم نمود؛ و چیزی بآنها نداد. در این اثنا «ذوالخویصره» تمیمی که بعدها در سلك خوارج درآمد جلو آمد، و عرض کرد: «اعمل یا رسول الله»: روش عدالت پیش بگیر، رسول خدا از سخن بیجا و مرضانه او کسی ناراحت شد فرمود: «و یلک من یعدل ازالم اعدل»: وای بر تو هر گاه من با داشتن مقام رسالت عدالت نکنم کی عدالت خواهد کرد؟، یکی از اصحاب بلند شد و درخواست کرد که او را بر اثر این جسارت مجازات کند؛ حضرتش اجازه نداد و از آینده تاریخ معترض گذارش داد؛ و فرمود که این مرد بگروهی میپیوندد که از دین خدا بیرون میروند بسان تبری که از چله کمان رها میشود.

آیه پنجاه و هشتم؛ پرده از اسرار این گروه بر میدارد که این حزب مادی از آنها که علاقهای بمعنویات اسلام ندارد؛ هر موقع منافع شخصی آنها در خطر افتد دستگام خریبی و تبلیفی خود را علیه اسلام راه میاندازند.

اختصاص به منافی ندارد

این حقیقتی است که اختصاص به منافی ندارد؛ بلکه منافی بمنوان يك فرد روشن معرفی شده است بلکه جمعیتی که بمنظورهای مادی از یک دستگام ترویج کنند تا آنروز حاضرند قلم و بیان و فعالیتهای خود را بنفع دستگام بکار اندازند که منافع خود را در پرتو ترویج و ثبات دستگام به بینند؛ ولی اگر روزی از دستگام رانده شوند و ریشه های حیاتی و رگهای منافع آنها بریده شود در این صورت فرشته ملکوتی را يك هیولای مخوفی معرفی میکنند و حداکثر کوشش خود را بکار میبرند که مردم را بدستگام بدبین سازند و هر چه زودتر سازمان آن فرویزد.

روی این اساس است که امام صادق (ع) باسحاق بن غالب میفرماید: **یا اسحق کم تری اهل هذه الایة**. بنظر توجه افرادی مشمول این آیه (آیه ۵۸) هستند سپس خود حضرت مبادرت بجواب نمود و فرمود: **هم اکثر من ثلثی الناس**؛ بیش از دو سوم جمعیت جزء این دسته هستند.

پاسخ قرآن از اعتراض منافقان

قرآن برای اعتراض آنها دو پاسخ میدهد: اول: **بسان يك طبیب روانی يك برنامه تربیتی در اختیار آنها میگذارد و آن همان حالت رضاست** با آنچه خدا بآنها داده، و این بزرگترین کمال است که در دوره زندگی خود میتوانند بدست آورند و زیر سایه همین صفت کمال؛ بسیاری از افکار شیطانی رانده میشود؛ چنین فردی هرگز چشم بمال دیگری نمیدوزد؛ فکر غارت و چپاول و دستبرد در مغز او راه نمی یابد، زیرا راضی بنقدیر است و با آنچه خدا و رسول او داده اند، خوشحالت برای رساندن این معنا در آیه ۵۹ چنین فرمود: **« و لو انهم رضوا ما آتاهم الله »** تا آخر...

دوم پاسخی که برای آنها داده اینست که پیامبر از جانب خود شارع احکام نیست، پیروی از يك برنامه ای میکند که روی صالحی خدا وضع کرده و در اختیار او گذارده است، و در تقنین الهی فقط زکات در هشت مورد مصرف میشود؛ و حزب ثروتمند منافق در هیچ کدام داخل نیست

در پایان چند نکته ای تذکر میدهیم

۱- «لزم» در لغت بمعنای خرده گرفتن است مطلقاً، خواه در حضور و خواه در پشت سر ولی (همزه) خرده گیری در غیاب را گویند.

۲- ماده «رغب» هر گاه با حرف «الی» و یا «فی» و یا بدون آنها بکار رود مقصود از آن میل و توجه و شوق است و هر گاه با حرف «عن» استعمال شود؛ به معنای اعراض خواهد بود مانند: **ومن یرغب عن ملة ابراهیم الامن سفه نفسه** : از طریق ابراهیم اعراض نمیکند مگر کسیکه تن بخواری و ذلت دهد و در آیه فوق مقصود همان معنای اولی است .

۳- در قرآن فقط در همین آیه لفظ مسکین و فقیر با هم وارد شده است، و دانشمندان در باره فرق این دو لفظ گفتگوهای فراوانی دارند که بیشتر آنها متکی بگواه محکمکی نیست و روشنتر از همه آنست که در برخی از روایات وارد شده است که «فقیر» کسی است که تهی- دست و قدرت اداره زندگی را نداشته باشد ، ولی «مسکین» یکدسته مخصوصی از فقیر است که فقر و فاقه او بسرحد پریشانی برسد بنابراین افراد فقیری که بر اثر شدت فقر آبروی خود را میریزند و در خانه هر لثیم و کرمی میروند و یا علاوه بر فقر با نابنائی و زمین- گیری دست بگریبان هستند ؛ - اینان - مساکین از فقرا هستند .

۴- درباره مصارف هشت گانه دو مورد را با حرف «فی» بیان کرده است مانند : **فی الرقاب و فی سبیل اللّٰه و باقیمانده** با حرف «لام» که مفید ملکیت و با اختصاص است و نکته آن اینست که دو مورد پیش مصرف زکاتند نه مالک زکات و از این نظر نام آنها را جهت و مصرف گذارده اند ولی موارد ششگانه دیگر ، مانند قبران و ... مالک زکاتند و باز کات از آن آنها است و لذا بالام وارد شده اند ؛ البته حرف «لام» فقط در کلمه «فقراء» ظاهر است ؛ و از آنجا که باقی اصناف پنجگانه بجای «فقراء» عطف شده اند ، لام در آنها در تقدیر است .

امر خاموش بنشین گناه امت

رسول اکرم (ص) فرمودند : «هنکامی که امت من امر بمعروف و نهی از منکر را بگردن یکدیگر بیان دارند (هریک از ارجام این وظیفه مقدس سر باز زنند) آماده عذاب الهی باشند» «نقل از کافی و تهذیب»

پیغمبر عالیقدر اسلام (ص) فرمودند : «مردم در خیر و رفاه خواهند بود تا هنگامی که امر بمعروف و نهی از منکر می نمایند ، و یکدیگر را در کارهای نیک کمک می کنند ، اما همینقدر که اینها را ترک کردند . برکنها از آنها سلب میشود و بعضی از آنها بر بعض دیگر مسلط میگردد و یا او را کمکی در آسمان و زمین پیدا نمیکند !» (نقل از تهذیب)